

سفر ناصرالدینشاه به سویس

ناصرالدینشاه در طول سلطنت خود (از ۱۲۶۴ هـ. ق برابر ۱۸۴۸ میلادی تا روز جمعه ۱۷ ذی‌القعدة ۱۳۱۳ هـ. ق برابر ۱۸۹۵) غیر از سفر به عتبات (در ۱۲۸۷ هـ. ق)، سه بار نیز به اروپا سفر کرده است:

سفر اول، از روز شنبه ۲۱ صفر ۱۲۹۰ هـ. ق برابر ۳۰ فروردین ۱۲۵۲ خورشیدی و ۱۹ آوریل ۱۸۷۳ از تهران آغاز و به روز شنبه سیزدهم رجب ۱۲۹۰ هـ. ق برابر ۱۵ شهریور ۱۲۵۲، ۶ سپتامبر ۱۸۷۳ ختم می‌شود. این سفر با کمک ملک‌خان و به همراهی میرزا حسین خان مشیرالدوله انجام شد. مسیر سفر عبارت بود از: بندر انزلی، حاجی طرخان، ساراتوف، مسکو، پترزبورگ، ورشو، برلین، بروکسل، لندن، پاریس، ژنو، تورن، میلان، وین، استانبول، تفلیس، باکو و بندرانزلی. خاطرات این سفر تحت عنوان «مسافرت نامه فرنگستان» یا «روزنامه سفر فرنگستان» در ۲۱۲ صفحه، در محرم ۱۳۰۲ هـ. ق در بمبئی، بصورت سنگی چاپ شده که بعداً پیرامون آن صحبت خواهد شد.

سفر دوم، از پنجشنبه سلخ ربیع‌الاول ۱۲۹۵ هـ. ق برابر پانزدهم فروردین ۱۲۵۷ خ و چهارم آوریل ۱۸۷۸ م. آغاز و به جمعه نهم شعبان ۱۲۹۵ هـ. ق برابر با هجدهم مرداد ۱۲۵۷ خ. و نهم اوت ۱۸۷۸ م. ختم می‌شود. غرض اصلی از این سفر دیدار از بازار مکاره پاریس بود. صادرات با سپهسالار اعظم میرزا یوسف خان مستوفی‌الممالک آشتیانی (در گذشته در ۱۳۰۳ هـ. ق) و مسیر سفر تبریز، تفلیس، ولادی قفقاز، مسکو، پترزبورگ، ورشو، برلین، پاریس، وین، ولادی قفقاز، پتروسکی و بندرانزلی بود. سفرنامه‌ای بدون عنوان در ۲۵۹ صفحه مشتمل بر خاطرات ناصرالدینشاه از این سفر در سال ۱۲۹۶ هـ. ق در «دارالطباعة خاصه مبارکه» تهران، به همت صنایع‌الدوله به چاپ رسیده است.

سفر سوم، در روز شنبه ۱۲ شعبان ۱۳۰۶ هـ. ق برابر ۲۴ فروردین ۱۲۶۸ خ. و سیزدهم آوریل ۱۸۸۹ م. آغاز و به روز یکشنبه ۲۴ صفر ۱۳۰۷ هـ. ق برابر ۲۸ مهر ۱۲۶۸ خ. و بیستم اکتبر ۱۸۸۹ م. انجامید. در این سفر صدراعظم میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان شاه را همراهی می‌کرد. ناصرالدینشاه در این سفر از روسیه آلمان، اطریش، فرانسه، بلژیک، هلند^۲ و انگلستان دیدار نمود. خاطرات این سفر زیر عنوان «روزنامه وقایع حالات و بدایع مشاهدات» در «دارالطباعة خاصه دولتی» به همت اعتمادالسلطنه، بصورت سنگی، در ۴۱۱ صفحه در سال ۱۳۰۸ هـ. ق چاپ شده است. نسخه‌ای از این چاپ در کتابخانه دانشگاه لیدن (در هلند) موجود است که در هامش پاره‌ای از صفحات آن بخط فارسی مطالبی نوشته شده که به احتمال زیاد به خط مرحوم علامه قزوینی است.^۳ گفته شد که شرح سفر اول زیر عنوان «روزنامه سفر فرنگستان» در محرم ۱۳۰۲ هـ. ق برابر

۱۸۸۴ میلادی در ۲۱۲ صفحه تحریر شده و در بمبئی به اهتمام میرزا محمد شیرازی ملک‌الکتاب، با هشت تصویر از ناصرالدینشاه، به همراه یک مقدمه و ۲۰۴ بیت شعر از ناصرالدینشاه بنام دیوان ناصری به طبع رسیده است. هشت تصویر تاریخی مذکور عبارتند از: (اول) تصویر ناصرالدینشاه (دوم) تصویر او با پادشاه روس (سوم و چهارم) تصویر او با ملکه انگلستان (پنجم) تصویر او با ولیعهد انگلستان (ششم) ناصرالدینشاه سوار بر اسب (هفتم) ملاقات وی با رئیس جمهوری فرانسه (هشتم) سوار بر اسب با پادشاه ایتالیا. این عکسها روی صفحات کتاب چسبانده شده است. ضمناً متن این سفرنامه، به نام «روزنامه خاطرات اعلیحضرت شاه ایران» توسط جان مورای انگلیسی، به زبان انگلیسی ترجمه و در سال ۱۸۷۴ میلادی در لندن در ۴۲۷ صفحه چاپ شده است.^۴

هشت سال قبل (۱۹۸۵ م.) سفیر سوئیس در لاهه آقای دکتر کوفمان^۵ اظهار داشت اخیراً کتابی توسط وزارت خارجه سوئیس، مشتمل بر اسناد دیپلماتی گذشته، به چاپ رسیده که در آن گزارشی نیز راجع به سفر پادشاه ایران به سوئیس درج شده است. بعدها که اینجانب به کتاب مزبور^۶ رجوع کردم متوجه شدم که گزارش یاد شده راجع است به اختلاف نظر بین دولت فدرال سوئیس و کانتون ژنوبر سر پرداخت مخارج پذیرایی و سفر ناصرالدینشاه. گزارش به فرانسه بود و من از دوست فاضلم آقای دکتر سید خلیل خلیلیان خواهش کردم آن را به فارسی ترجمه نمایند. ایشان هم با سعه صدر خواهش مرا اجابت کردند. اینک پیش از نقل گزارش مزبور، نخست به اختصار وضع اروپا و دولت سوئیس را در روزگار سفر ناصرالدینشاه توضیح داده، سپس نکاتی از سفرنامه ناصرالدینشاه درج و بعد ترجمه گزارش را خواهد آورد.

دولت سوئیس از اواخر قرن سیزدهم تا نیمه قرن نوزدهم یک فدراسیون یا اتحادیه‌ای از ایالات مختلف بود. بین سالهای ۱۷۹۸ تا ۱۸۰۳ به اشغال فرانسه درآمد. فرانسویان در این مدت یک جمهوری متحده و یک قانون اساسی را بر سوئیس تحمیل کردند. در ۱۸۰۳ ناپلئون سوئیس را دوباره به صورت ایالات متحده در آورد. با سقوط ناپلئون ایالات یا کانتون‌های سوئیس پیمان جدیدی را در ۱۸۱۵ بین خود امضاء کردند. بعدها با تحولات صنعتی شدن سوئیس، سیاستمداران تندرو، بنا بر ملاحظات اقتصادی خواهان اتحادیه‌ای استوارتر بودند. این گرایش به جنگ بین کانتون (ایالت)‌های صنعتی و غیرصنعتی منجر شد. جنگ به سود جانبداران تمرکز بیشتر، پایان یافت. در ۱۸۴۸ قانون اساسی جدیدی نوشته شد. مطابق این قانون سوئیس با ۱۹ کانتون و ۶ نیمه کانتون، دولتی فدرال با دو مجلس (شورای ملی با ۲۰۰ عضو و شورای کانتون‌ها با ۴۴ عضو) گردید. قوه مجریه در اختیار شورای فدرال بود که هفت نفر عضو داشت و رئیس آن، رئیس جمهوری سوئیس بشمار می‌رفت. قانون اساسی مذکور در ۱۸۶۸ اصلاح و قدرت دولت فدرال زیاده‌تر شد. البته هنوز در متون حقوقی عنوان کنفدراسیون برای سوئیس بکار می‌رفت.

اما سفر اول ناصرالدینشاه به اروپا و از جمله سوئیس، هنگامی صورت گرفت که دوران حرکتی علمی - صنعتی در همه زمینه‌ها آغاز شده بود. تحولات مزبور تنها به خیزش صنعتی خلاصه نمی‌شد، بلکه برای نمونه در همان سال، ووند (W. Wundt) بزرگترین کتاب روانشناسی عصر خود را نوشته و ماکسول (Maxwell) کتاب مهم خود را در فیزیک «برق و قوه مغناطیس» (Electricity and Magnetism) چاپ و فرضیه موج رادیو را طرح نموده و زیست شناس ایتالیایی بنام Golgi مطالعات نوینی درباره سلول بعمل آورده و هرمیت (Hermite) فرانسوی مباحث تازه‌ای را در ریاضیات بمیان کشیده و فان در والز (Van der waals) هلندی قانون گازها را پایه‌گذاری کرده بود. از دیدگاه تفکرات سیاسی نیز روزنه‌های نوینی گشوده شده بود؛ هنوز مرکب مانیفیس‌ت مارکس و انگلس خشک نشده بود. مسأله شکست فرانسه و پرداخت غرامات جنگی به امپراتوری تازه تأسیس آلمان (۱۸۷۱) و اتحاد ایتالیا پس از بیست سال جنگ (۱۸۷۰-۱۸۵۰) بدنه اروپا را تکان داده بود. نهضت‌های آزادی

خواهی و اندیشه‌های لیبرالیسم بر ضرر اندیشه‌های تقدیرگرایی کم و بیش ریشه دوانیده و دمکراسی مطرح گردیده و هنر و ادبیات متحول شده بود. برای نمونه ویلهلم سوم پادشاه هلند (۱۸۴۹-۱۸۹۰) که در همین سفر با ناصرالدینشاه دیدار می‌کند و ناهار می‌خورد، نتوانست از قانون‌گرایی و آزادی طلبی مردمش جلوگیری کند و بالاخره هلند که از قافله انقلاب صنعتی عقب مانده بود، دوره نوین صنعتی شدن خود را از سال ۱۸۶۰ آغاز کرد. در هلند از سال ۱۸۷۰ بعضی از برنامه‌های نوین اجتماعی مانند جلوگیری از کار کودکان کم سال، بیمهٔ سوانح صنعتی، برنامه‌های خانه‌سازی، آموزش اجباری و نظایر آن شروع شده بود. اما گویی این وضعیت جدید اروپا، توجه مسافران ایرانی را جلب نکرده و پنداری که ناصرالدینشاه چشمی بینا و گوش‌شنوا برای هیچ یک از این دگرگشت‌های صنعتی، اجتماعی و سیاسی نداشته است. هرچند که میرزا تقی خان امیرکبیر نخستین صدراعظم او، چشم و گوش خود را به روی دنیای جدید باز کرده بود، اما با از بین رفتن امیر، این روزنهٔ امید هم بسته شده بود.

بهرحال، ناصرالدینشاه غروب روز یکشنبه ۲۴ [جمادی‌الاول] برابر با بیستم ژوئیه ۱۸۷۳ میلادی، پس از سفری هفت ساعته، با ترن از فرانسه وارد ایستگاه مرکزی شهر ژنو می‌شود. خود او می‌نویسد: «رئیس جمهوری ژنو، که پرزیدانست، اسمش مسیو سرذل (M. Ceresol) است و رئیس مجلس شورای ژنو که اسمش اوژن بوپل (M. Eugene Bopel) است با ایلچی سویسی که درپاریس بود و سایر بزرگان شهر و ژنرال دوفور (Dufour) که مرد نود ساله‌ایست و در قشون ناپلئون اول هم خدمت کرده و در سویس معتبر و در علم نقشه کشی بسیار معروفست، آنجا بود...»^۷ بعد شاه و صدراعظم و «هر دو رئیس جمهوری، درکالسکه روبازنشسته به مهمانخانهٔ محل اقامت (هتل دِ برگ (De Berg) می‌روند. ناصرالدینشاه می‌نویسد: در راه از «کثرت جمعیت امکان عبور از کوچه‌ها نبوده» و با وجود «عملهٔ احتساب» «باز دفع و منع مردم ممکن نبود... کم مانده بود کالسکه را خطری برسد... بالاخره با هزار زحمت رفتم منزل». برداشت و تعبیراتی که ناصرالدینشاه در سفرنامهٔ خود از سویس و دولت سویس دارد برداشتی ساده است، مثلاً اشاره‌ای که به دو رئیس جمهوری می‌کند یا تعداد ایالات که ذکر می‌نماید ناشی از نداشتن تصویر روشنی از وضعیت فدرال سویس است. وی اوضاع سیاسی و وضع دولت سویس را این چنین بیان می‌کند:

● دولت سویس جمهوریست. بسیار قواعد عجیبه در حکمرانی دارند. کل سویس (در متن سوس) پنج کروور جمعیت دارد و منقسم به بیست دو ایالت است. هر ایالتی رئیس و حکمرانی دیوانخانه علیحده دارد. هفت نفر هم رئیس دارند که یکی از ایشان هم بر سایرین ریاست دارد. اما یکی یکی نمی‌توانند حکمی در کارهای عمده و مملکتی و غیره بکنند. آن بیست و دو نفر اطلاع به این هفت نفر می‌دهند. هفت نفر هم به اطلاع و امضاء همدیگر، آن کار را می‌گذرانند. در حقیقت رئیس کل و حکمران مستقل در هیچ ایالت و ولایتی ندارند. هر وقت همگی در کاری اتفاق کردند مجری می‌شود و الا فلا. وضعی است که نوشتن و بیان اشکال کلی دارد و این روزنامه گنجایش شرح قانون حکمرانی و جزئیات قواعد دولت سوس را ندارد و بیش از این هم لازم نیست...»

● ناصرالدینشاه پس از توصیف رودخانهٔ رن (Rhône) که از روبروی هتل محل اقامت وی می‌گذشته، به شرح شهر ژنو می‌پردازد که «دو طرف رودخانه واقع شده بسیار عمارات عالی و مدارس خوب و کوچه‌های سنگ فرش تمیز دارد. تمام عمارات پنج شش مرتبه است.» بعد ادامه می‌دهد که «کارخانه‌های ساعت سازی و موزیک سازی اینجا مشهور است. جمیع سازهای جعبه‌ای و بلبل‌ها و مرغ‌های مصنوعی که می‌خوانند همه را اینجا ساخته به سایر ممالک می‌برند.» از همهٔ اوضاع صنعتی و اقتصادی بهمین اندازه اکتفا می‌کند. او اصلاً به تعلیل اوضاع و تحلیل مسائل نمی‌پردازد و بیشتر به

سراغ طبیعت زیبا و ظواهر آن دیار می‌رود. همراهان او نیز گویی حضور زنده‌ای نداشته‌اند. نام بعضی از همراهان شاه در این سفر عبارت است: صنیع‌الدوله، اعتضادالسلطنه، عمادالدوله، علاءالدوله، میرزا ملکم خان، حکیم‌الممالک، مسبو ریشار، یمین‌الدوله، حسام‌السلطنه، معتمدالملک ابراهیم خان؟، دکتر تولوزان. بیشتر اینان زبان دان و دنیا دیده بوده‌اند.^۸ بهر حال روز دوم اقامت، صرف گردش روی دریاچه ژنو می‌شود و شاه‌ناهار را در هتل زادگاه مسبو سردل واقع در شهر «وه‌وه» (Vevey) باتفاق پادشاه هلند ویلهلم سوم (Wilhelm) صرف می‌کند. روز سوم به گردش و استراحت می‌گذرد. روز چهارم، دولت سوئیس (به زعم ناصرالدینشاه) در مهمانخانه هتل دولاپه (Hotel de la paix) ناهاری به افتخار شاه می‌دهد که در آن سفیر ایتالیا در سوئیس، سفیر سوئیس در فرانسه (Dr. Kerk)، سفیر پروس در سوئیس، که از برن آمده بودند شرکت داشتند. بعد می‌نویسد به همراه مسبو سردل «اول رفتیم به عمارتی که اسباب فیزیک و بعضی چیزهای دیگر مثل موزه و حیوانات مرده و استخوانهای آنها بود چنانکه در پاریس هم دیده شد... معلم فیزیک اطاقی را تاریک کرده، بعضی تجربیات و تماشاها در شیشه‌های الوان، در قوه الکتریسته بما نمود...». شاید ناصرالدینشاه اولین کسی باشد که از ایران، دستگاه سینما را دیده و توصیف کرده است. اگر این که نوشته‌اند میرزا ابراهیم صحاف باشی «ظاهراً نخستین کسی است که ذکری از این اختراع جدید کرده است» درست باشد سفر او در ۱۸۹۷ میلادی و ۲۴ سال پس از سفر ناصرالدینشاه است.^۹ پس از تماشای شیشه‌های الوان، شاه به دیدن «نقشه کل ممالک سوئیس» می‌پردازد و عصرانه را در باغ ییلاقی مسبو فاور (M. Favre) از نجبای سوئیس صرف می‌کند و می‌نویسد آنجا «خانه قشنگی بود، خانمهای خوشگل زیادی از نجبا و غیره آنجا بودند». روز پنجم، ناصرالدینشاه از ژنو به تورن می‌رود و پس از عبور از خاک فرانسه وارد ایتالیا می‌گردد و سفر وی به سوئیس خاتمه می‌یابد. اما پس از ترک سوئیس، پرداخت هزینه‌هایی که کانتون ژنو برای سفر شاه ایران انجام داده بود، مورد اختلاف قرار می‌گیرد. کانتون آن را از دولت فدرال مطالبه می‌نماید و دولت فدرال آنرا به عهده کانتون محول می‌کند. گزارش مورخ ۲۳ اکتبر ۱۸۷۳ نماینده شورای فدرال سوئیس وضعیت را بهتر نشان می‌دهد:

● «اداره سیاسی افتخار دارد که حساب‌های پذیرایی از شاه ایران، ناصرالدین، را در ژنو، در روزهای ۲۰ تا ۲۴ ژوئیه ۱۸۷۳ به شورای فدرال تقدیم می‌کند. به نظر این اداره ضرورت ندارد که در اینجا پیرامون نحوه انجام وظایفی که به نمایندگان شورای فدرال واگذار شده بود، شرحی مبسوط داده شود، چه بازگویی این گونه مطالب چیزی جز تکرار مطالبی که، به اشباع، در روزنامه‌های خارج و سوئیس چاپ شده نخواهد بود. با این وصف، درج گزارشی ساده در سندی رسمی از مقررات شورای فدرال برای پذیرایی، از سوی کنفدراسیون و در خاک سوئیس، از یک فرمانروای خارج که بازدید رسمی داشته، برای آینده بی‌فایده نیست. این گزارش فقط با این دید نگریسته می‌شود که در تاریخ سیاسی کنفدراسیون - از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون اساسی ۱۸۴۸، این رویداد، منحصر به فرد است.

● با دریافت تلگراف ۱۵ ژوئیه از سوی نمایندگی سیاسی سوئیس در پاریس دایر بر ورود حتمی شاه ایران به ژنو در روز شنبه ۱۹ ژوئیه، شورای فدرال در شانزدهم ژوئیه یکی از اعضای خود یعنی آقای بورل (M. Le Conseiller Borel) و امضاکننده زیر را تعیین کرد که به عنوان نمایندگان رسمی به ژنو بروند.

● برای نمایندگان اعزامی شورای فدرال که در برن گرفتار اجلاس مجمع فدرال بودند فرصت نبود که بتوانند خود برای شرکت در آیین پذیرایی در محل حاضر شوند. از این رو، از پیشنهاد مقامات شهرداری و محلی کانتون ژنو سود جستند که خواسته بودند خودشان عهده‌دار انجام اقدامات لازم

شده، گزارش جزئیات امر را ارسال دارند.

نمایندگان شورای فدرال جز ابراز احترام نسبت به حسن نیت و لطف کامل مقامات و مردم ژنو که در استقبال از شاه همکاری کردند، کاری از دستشان ساخته نیست. علاقمندی به پذیرایی شایسته از یک فرمانروای خارجی، مقامات ژنو را بر آن داشته که در برخی مواد از حدود مورد نظر نمایندگان شورای فدرال در گذرند. علت عمده برای بالا بودن ارقام حسابهایی که امروز باید پرداخت شود همین امر بوده است. شایسته است که بیفزاییم که دولت ژنو (یعنی دولت کانتون ژنو. م) بخشی از این مخارج را خود بر عهده می‌گیرد.

● نمایندگان شورای فدرال، دبیر اداره سیاسی و آقای ام. آ. دو گومنز (M. A. de Goumèns) در مورژ (Morges) که قبلاً مأمور (نماینده) کل در ایران بود و او را به عنوان واسطه نزد شاه تعیین کرده بودند، همه در ۱۹ ژوئیه به ژنو رفتند. خیابانهای اصلی شهر به دست مردم و مقامات شهرداری آذین بسته شده بود و سالی در ساختمان راه آهن از سوی شرکت «پاریس - لیون - مدیترانه» به منظور استقبال در اختیار قرار گرفت. بعد از ظهر ۲۰ اوت [غلط چاپی است و باید ژوئیه باشد / م.] ناصرالدین، با خط آهن پاریس - لندن - لیون - مدیترانه با چهل نفر همراه و سی نفر خدمه وارد ژنو شد. نمایندگان شورای فدرال، به همراهی مقامات شهرداری و کانتونی ژنو در ایستگاه راه آهن او را استقبال کردند. رئیس کنفدراسیون [Le Président de la Confederation] مقدمش را به خاک سوئیس خوشامد گفت و نمایندگان، او را تا هتل دبرگ [des Bergues] همراهی کردند. شاه در این هتل آپارتمانهایی برای خود و همراهانش رزرو کرده بود.

● در طول آن روز و نیز روز بعد، تلاش نمایندگان فدرال نزد شاه و اطرافیانش این بود که او را از فکر رفتن به برن و بازدید شورای فدرال بیرون آورند. آنان نگران مشکلات ناشی از این بازدید نامترب بودند، چه شورا خود در آن ایام سخت گرفتار مجمع عمومی فدرال در برن می‌بود. همچنین نگرانی از هزینه‌های قابل توجهی که این استقبال دوم، به بار می‌آورد. نمایندگان می‌پنداشتند که کاری کنند که ضمن انجام وظایف خود در مهمان نوازی، به میهمان خود نیز بفهماند که قصد شورای فدرال این بوده که در ژنو استقبالی رسمی از وی به عمل آید. با این هدف، آنان طوری اقامت شاه را در ژنو برنامه‌ریزی کردند که تا عزیمتش به ایتالیا در پنجشنبه ۲۴ ژوئیه، اوقاتش همه پُر باشد. شاه با این برنامه موافقت کرد و از سفر به برن منصرف شد، چون فهمید که استقبال وی در ژنو بطور رسمی انجام یافته و شورای فدرال در مرکز، در انتظار مقدم وی بسر نمی‌برد. گردش بر قایق بخاری بر فراز دریاچه لمان (Leman) و صرف ناهار در هتل دترواکورون [des Trois Couronnes] در وهه (vevey) تمام وقت دوشنبه را پر کرد. بر سر میز ناهار، مقامات کانتونی ژنو، وو (de Vaud) و ولز (du Valais) کشورهای ساحلی دریاچه و نمایندگان شهرداری و کانتونی ژنو و «وهوه» دعوت داشتند. نمایندگان شورای فدرال از حضور پادشاه هلند گیوم سوم (Guillaume III یا ویلهلم سوم) در «وهوه» آگاهی یافتند. وی بطور ناشناس و با نام کنت بورن [de Coumte de Büren] سفر می‌کرد. نمایندگان، او را نیز دعوت کردند و پذیرفت. سناتور ملگاری [M. Melegari] سفیر ایتالیا در برن، به دستور دولت خود نزد شاه آمد و در مهمانی ناهار نیز شرکت کرد. غروب که قایق به ژنو بازمی‌گشت دولت ژنو و شورای اداری شهر ژنو، با آتش بازی و چراغانی در حوزة دریاچه، مقدم شاه را گرامی داشتند. در روز بعد، هیچ تشریفات رسمی برگزار نشد. شاه ایران با استفاده از این فرصت به ابتکار و هزینه خود به گردش در موتیه (Monnetier) و سلو (Saleve) در خاک فرانسه پرداخت.

● چهارشنبه در هتل «په» در ناهاری رسمی علاوه بر شاه و برخی از همراهانش که خود تعیین کرده بود، نمایندگان مقامات شهرداری و کانتونی ژنو، آقای ژرنال دوفور (Dufour) و آقای ام. ملگاری و

پرنس گورتشاکوف (Gortschacow) وزیر مختار روسیه و تعدادی کارمندان و صاحب منصبان برجسته فدرال و کانتون‌ها نیز در آیین پذیرایی حضور یافتند. پس از صرف ناهار، نمایندگان با میهمان خود به بازدید از ساختمانهای فرهنگی و آتته ژنو [academiques et l'Athénée de Genève] پرداختند. سپس به یک دهکده نزدیک، به دعوت پروفوسور الف فاور (M. le Professeur Alph Favre) رفتند. شب همان روز ۲۳ ژوئیه، به تقاضای نمایندگان شورای فدرال به دستور صریح شاه، عهدنامه (le traite) تجارت بین سوئیس و ایران به امضا رسید. مذاکراتی در پیرامون این عهدنامه در روزهای پیش در جریان می‌بود.

● پنجشنبه ۲۴ ژوئیه، ناصرالدین خاک سوئیس را ترک کرد و از راه مون - سنیس (le Mont-Cenis) به ایتالیا رفت. نمایندگان شورای فدرال تا ایستگاه راه آهن او را مشایعت کردند و در آنجا وی مراتب سپاسگزاری پی در پی خود را به خاطر پذیرایی سوئیس به آنان ابلاغ کرد.

● اینک پس از این گزارش، از پذیرایی شاه ایران، اداره صاحب امضای زیر، با احترام هزینه کل آن را که / ۳۵۷۹۸ فرانک شده است به عرض شورای فدرال می‌رساند. ریز این رقم عبارت است از: هزینه‌هایی که اداره سیاسی مستقیماً به موجب اسناد پیوست

کرده است.	۱۲۳۵/۵۵ فرانک
هتل «ترواکورون»	۸۱۰۰/ فرانک
مخارج بر قایق بخاری «وونیکل رید» (Wunkelried)	۱۴۲۵/۴۰ فرانک
مخارج هتل «په» در ژنو	۶۵۰۰/ فرانک
حساب دولت ژنو، به موجب ریز پیوست	۱۸۵۳۷/۰۵ فرانک
جمع	۳۵۷۹۸ فرانک

از این مبلغ باید ۶۰/۶۲۱۱ فرانک کسر شود که دولت ژنو تقبل کرده، پس باقیمانده به حساب کنفدراسیون می‌شود ۴۰/۲۹۵۸۶. باتوجه به اینکه مبلغ سیزده هزار فرانک در بودجه سال ۱۸۷۳ به عنوان بودجه معرفی کشور تعیین شده و بیش از ۱۹۰۸ فرانک از آن باقی نمانده است، لذا مراتب ریز به شورای فدرال توصیه می‌شود:

۱- از مجمع فدرال (Assemblée Federale) اعتباری تکمیلی به مبلغ ۲۸ هزار فرانک از محل ۳ الف ۹ بودجه درخواست شود.

۲- پیش از تصویب این اعتبار، به این اداره اجازه پرداخت حساب‌های پیوست داده شود.

۳- از شورای دولتی کانتون ژنو، برای خدماتی که به مناسبت استقبال شاه ایران، به شورای فدرال عرضه داشتند، قدردانی شود. همچنین برای آن بخش از هزینه‌هایی که پرداخت را خود عهده‌دار گشته است.

۴- از شورای دولتی ژنو دعوت شود که با شورای فدرال در احساساتی که به شورای اداره شهر ژنو ابراز می‌شود، مشارکت کند.

زیرنویس‌ها

- ۱- مرحوم مهدی بامداد سلخ رجب ۱۲۹۰ ه. ق. نوشته است (رجال ایران، ج ۴، ص ۲۶۸ بیعد). ظاهراً سلخ رجب نادرست است، زیرا در سال ۱۲۹۰ رجب ۲۹ روزه بوده و سلخ نداشته.
- ۲- شرح سفر ناصرالدینشاه به هلند علیحده نوشته خواهد شد.
- ۳- نسخه چاپی ۸۱۸۹ الف ۴ دانشگاه لیدن.

4- The Dairy of H. M. The Shah of Persia, During Tour through Europe in A. D. 1873, (Translator) John Murray, Published by: J. W. Redhouse, London, 1874.

که این ترجمه نباید ترجمه چاپ بمبئی باشد، زیرا پیش از چاپ بمبئی به چاپ رسیده است.

5- Dr. Hansjakob Kaufmann.

(از ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸ سمت سفیر سوئیس در هلند داشت).

6- Documents Diplomatiques Suisses, 1848-1945, Band 3 (1873-1889), Benteli Verlag Bern, Suisse.

۷- اسامی لاتین به متن افزوده شده است (در پرانتز).

۸- برای نمونه‌ای از اظهار نظر معاصران ناصرالدینشاه درباره سفرهای او می‌توان به نوشته‌های اعتمادالسلطنه

رجوع کرد (رجال ایران، ج ۴، ص ۲۷۳ و ۲۷۴).

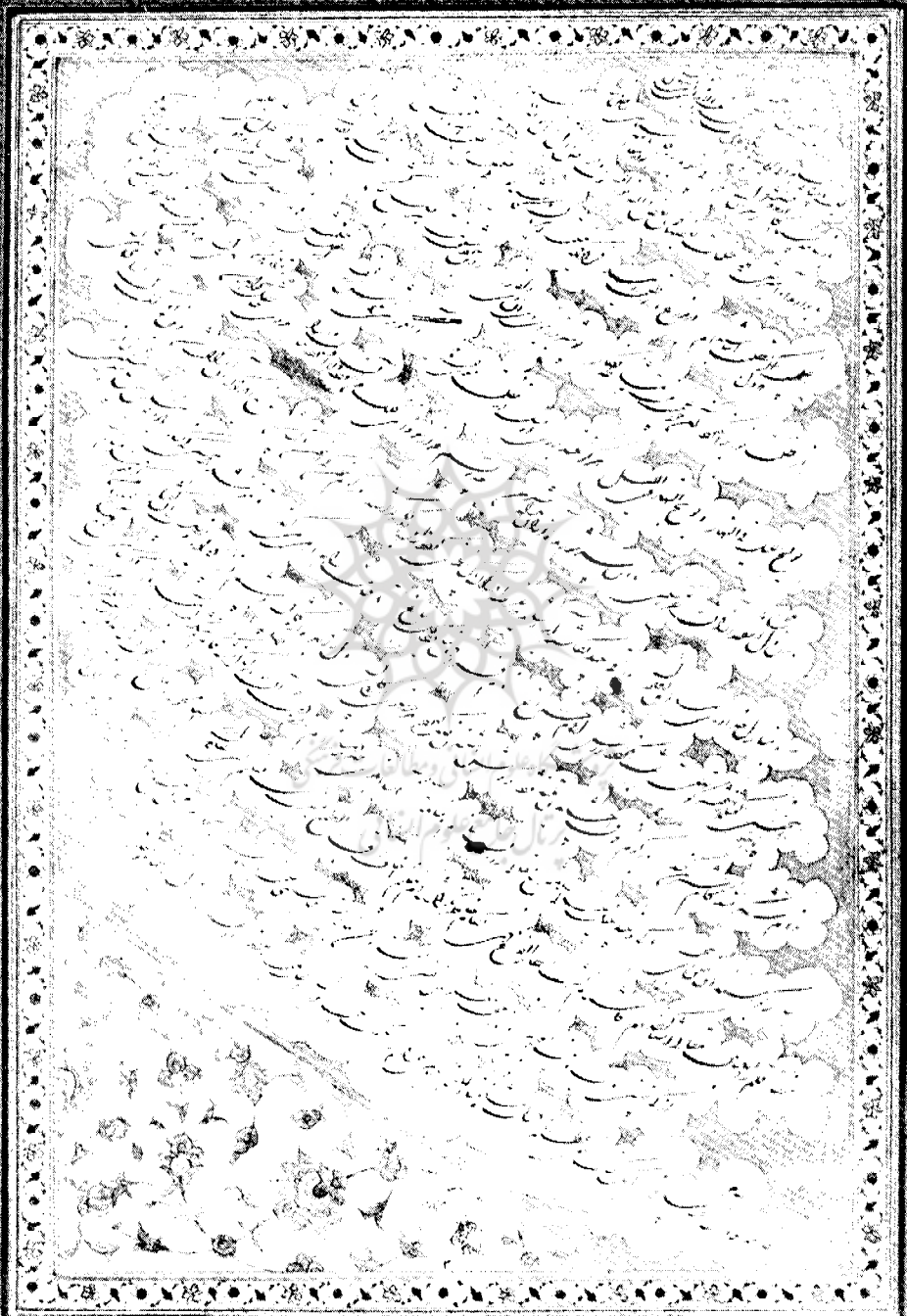
۹- مجله کلک شماره ۲۸، تیر ۱۳۷۱، ص ۹۸ (ذیل مسافرت نامه میرزا ابراهیم صحاف باشی). بد نیست اضافه

شود که اولین نمایش عمومی سینمایی در پاریس در تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۸۹۵ به اجرا درآمده است. پیش از این تاریخ در دهه هفتاد یکنفر انگلیسی و در سال ۱۸۸۰ یکنفر فرانسوی و بعد هم ادیسون (در ۱۸۹۴) به تکمیل صنعت سینمای آنروز (Motion Pictures) همت گماردند. پس آنچه ناصرالدینشاه دیده است خیلی ابتدایی بوده است.



در کتابخانه دانشکده حقوق - ایستاده: مهدی محمداصغری و علی اصغرفراهانی (کتاب آوران) -
یحیی ذکاء - سید محمد مشکوة - ایرج افشار - محمدتقی دانش‌پژوه (سال ۱۳۳۲)

دو قطعه خط از معتمدالدوله نشاط اصفهانی
(ارسالی باقر ترقی)



This page features intricate Persian calligraphy in a cursive style, enclosed within a rectangular border with a repeating floral motif. The text is written in dark ink on a light-colored paper. The script is dense and fills most of the page, with some lines starting with decorative flourishes. The overall appearance is that of a historical manuscript or a commemorative text. The calligraphy is highly stylized, with varying line thicknesses and elegant curves. The decorative border is composed of small, repeating floral or geometric patterns that create a frame around the text.